



تدبیر جهان خلقت

با خدا است

۲ ... تدبیر الامر یفصل الایات لعلکم یلقاء

ربکم توفنون .

: امور جهان آفرینش را تدبیر میکند و آیات خود را برای شما تشریح مینماید تا شما برای (رستخیز) و لقاء پروردگار خود یقین پیدا کنید.

این فرار از آیه آخرین قسمت آنست و در این قسمت روی دو مطلب تکیه شده است :

۱- تدبیر جهان آفرینش از آن خدا است .

۲- هدف از تشریح آیات خلقت توجه دادن مردم به روز رستاخیز است .

در باره قسمت نخست تفسیر قرآن اینست که تدبیر جهان خلقت از آن خدا است . گاهی

این مطالب را با جمله « تدبیر الامر » (تدبیر امور خلقت با او است) بیان مینمایند (۱) و گاهی با جمله « وله ملک السموات والارض یحیی و یمیت و هو علی کل شیء قدير (۲) یعنی « حکومت آسمانها و زمین در دست او (خداوند) است زنده میکند و میمیراند و بر همه اشیاء قادر است » به سائله تدبیر و اشاره میکند .

ظاهر این آیات ، که تدبیر جهان خلقت را بخدا نسبت میدهد ، روشن است ولی کنه و

حقیقت آن شاید برای گروهی مبهم و نامفهوم باشد .

گروهی تصور کرده اند که هدف از این آیات اینست که فاعل مستقیم و بلاواسطه همه

رویدادهای طبیعی خود خدا است ، و خدا بفاصله مستقیم و بدون وساطت اسباب و علل ، آنها را

ایجاد میکند ؛ بنابراین نزول برف و باران ، شکفتن درختان گردش مهر و ماه ، وزش بادهای پدید-

آوردن طوفانها و زمین لرزه ها و ... همگی فعل و اثر مستقیم خود خدا است . و هیچ نوع علت

و سبب طبیعی در پدید آمدن این حوادث در کار نیست .

روی این نظر خداوند جانشین علل و اسباب طبیعی است . اعتقاد به چنین خدائی که

(۱) بونس آیه های ۳۱۳-۳۱۴- سجده آیه ۵ (۲) حدید آیه ۲

همه کارها را بطور مستقیم خود او انجام میدهد، ما را از انبیا هر نوع علت طبیعی و سبب مادی بی نیاز میسازد.

در میان فلاسفه و متکلمین جز اشاعره کسی چنین عقیده‌ای ندارد آنان متکر و نفی کننده هر نوع سبب مادی بوده، و پدیده گرمی، تباهل آتش را اثر بلا واسطه فعل خدا میدانند، و آتش را کوچکترین دخالتی در آن نمی‌بینند چراونکه میگویند قدرت الهی بر این جاری شده که پس از پدیده آتش، حرارت بوجود آید نه اینکه آتش در آن دخالتی دارد.

انکار تأثیر هر نوع سبب مادی، گذشت از اینکه مخالف وجدان و صریح آیات قرآن (۱) میباشد، موجب آنست که گروهی از ماها آنرا دستاویز فراداده و به خدا پرستان چنین حمله کنند که:

اعتقاد به خدا مولود جهل و نادانی بشر به فعل طبیعی است بشری روزی که در ابطال عمل و معلولات طبیعی را کشف نکرده بود فوراً دست بدامن اوها م زده و برای حوادث جهان علتهای غیر مادی در عالم پندار خود میساخت.

ولی اکنون که روابط موجودات جهان، یکی پس از دیگری کشف شده، و قوای غیبی جای خود را بتواین علمی داده‌اند، عقیده باینست که م فرودتر گردیده است (۲)

نا گفته بیداست یک چنین طرز تفکر که مادیها به خدا پرستان نسبت میدهند اقتضای آنست که کتاب آسمانی مسلمانان و فلاسفه اسلامی و کتابهای علوم طبیعی آنان برخلاف آن گروهی میباشند و اگر چه نقرانگشت شمار، روی اشتباه بان گرایش پیدا نموده اند، هرگز نمیتوان آنرا به حساب خدا پرستان جهان گذارد.

ولی باید توجه داشت که اعتقاد بتأثیر علی طبیعی در میان موجودات جهان، و اینکه هر پدیده طبیعی، یک علت مادی دارد، و جهان آفرینش بهم پیوسته و متصل، و مسلط از علتها و معلولهای مادیست، هرگز مانع از آن نیست که حافظ و نگهبان دستگاه آفرینش، پدید آورنده این جهان، قدرت و توانایی بخش جهان هستی، خدا باشد که حکومت مطلقه خلقت در دست اوست و لذا در آیه مورد بحث پس از بیان مظاهر قدرت آفرینش آسمانها و گردش اجرام آسمانی می فرماید وید بر الامر.

و بیادرتنتر: یک فرد الهی در عین اینکه بشما توانایی علمی که در علوم طبیعی به رسمیت شناخته شده، ایمان دارد، باین حقیقت نیز ایمان راسخ دارد که جهان ماده، باین قوانین و خصوصیات، باین اسباب و علل، منتهی به آفریدگاری میگردد، که تنظیم

(۱) در تفسیر آیه چهارم از این سوره مشروح این قسمت را خواهید خواند.

(۲) به کتابهای اصول مقدّمات فی فلسفه و عرفان و اصول مادی مراجعه شود.

کننده این جهان و پدید آورنده این اسباب و مسببات، است و تمام مظاهر هستی از علم معاملات طبیعی از او الهام گرفته، و طبق مشیت و اراده او انجام وظیفه میکنند، او هر چه را که اراده کند با آفرینش علت مادی آن، جامه عمل بان می پوشاند.

هدف از تشریح آیات چیست.

دوین قسمت از این فراز جمله «فصل الآيات» است نخست باید توجه نمود که مقصود

از آیات، آیه های قرآنی و یا عموم آنچه که در کتب دیگر آسمانی وارد شده است؛ نیست بلکه مقصود همان آیات تکوینی خلقت است، از قبیل پرا فرشتن آسمانها، استیلاء بر عرش قدرت، دام ساختن آفتاب و ماه، گردش مجدد اجرام آسمانی، که پیش از این جمله در همین آیه، بیان شده اند.

و بیادرت دیگر، مقصود از آیات تکوینی است نه آیات تشریحی.

ولی مقصود از تفصیل همان تشریح و بیان قولی و کتابی است یعنی خداوند آیات کون

و معانی جهان آفرینش را در اینجا بیان و تشریح میکند تا شما از این رهگذر به روز رستاخیز و لقاء خود، مؤمن و معتقد گردانید.

چگونه این آیات ما را بر روز رستاخیز راهنمایی میکنند؟

یکی اینکه؛ هر گاه این کاخ بیستون، و گردش ماه و مهر، برای هدفی انجام گرفته است و هدف و یا یکی از اعداف خلقت، امکان استقرار حیات انسان در روی زمین است، در این صورت خلقت انسان نیز باید دارای هدفی باشد زیرا چگونه میتوان تصور کرد که خداوند حکیم جهان را برای انسان آفریده باشد ولی در خلقت انسان هدفی وجود نداشته باشد. از این جهت خداوند پس از بیان و تشریح کاخ خلقت؛ چنین نتیجه میگیرد: **يفصل الآيات لعلکم بلقاء ربکم توقنون**؛ ما با بیان و تشریح رموز خلقت میخواهیم شما را به روز رستاخیز که روز تحقق هدف از خلقت انسان است مؤمن و معتقد سازیم.

راه دیگر اینست که تفکر و اندیشه در این نظام شکفت انگیز، هر نوع شك و تردید را در امکان زنده کردن مردگان بر طرف میسازند زیرا خدائی که نمونه قدرت او در کاخ عظیم بی ستون و تسخیر ماه و مهر است و همواره بر عرش قدرت استیلاء دارد، و بدون تردید میتواند مردگان را زنده نماید. در برخی از آیات به این طرز استدلال تصریح نموده است چنانکه میفرماید: **لخلق السموات والارض اکبر من خلق الناس ولكن اکثر الناس لا یعلمون** (غافر- ۵۷). خلقت آسمانها و زمین از خلقت مردم مهمتر است ولی بیشتر مردم از آن خبر ندارند.